



## تأثیر محافظه‌کاری حسابرِس و وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود

بهزاد قربانی<sup>۱</sup>

فرزانه پورطاهر اقدم<sup>۲</sup>

فریدون رهنمای رودپشتی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

### چکیده

در این مقاله تأثیر محافظه‌کاری حسابرِس با وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. محافظه‌کاری حسابرِس با استفاده از مدل چونگ و همکاران (۲۰۰۳) و بر اساس بسط معیار باسو (۱۹۹۷) و بکارگیری رتبه‌بندی مؤسسات حسابرِسی منطبق با دستورالعمل طبقه‌بندی مؤسسات حسابرِسی و اشخاص موضوع ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرِسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار محاسبه و ارزیابی گردید. برای عدم قطعیت سیاست اقتصادی نیز از انحراف استاندارد میانگین بازده قیمت سهام شرکت در طی سال مالی استفاده گردید. همچنین به منظور سنجش کیفیت سود از ارقام تعهدی اختیاری مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شد. در این راستا تعداد ۱۵۰ شرکت از شرکت‌های حاضر در بورس در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به روش حذف سیستماتیک انتخاب گردید. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که محافظه‌کاری حسابرِس اثر مستقیم و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی اثر معکوس بر کیفیت سود دارد؛ به عبارت دیگر، محافظه‌کاری حسابرِس منجر به افزایش کیفیت سود و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی منجر به کاهش کیفیت سود شرکت‌ها می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** محافظه‌کاری حسابرِس، عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی، کیفیت سود، طبقه‌بندی مؤسسات حسابرِسی.

۱- گروه حسابداری، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، خدابنده، ایران. نویسنده مسئول. [dr.b\\_ghorbani@yahoo.com](mailto:dr.b_ghorbani@yahoo.com)

۲- گروه حسابداری، واحد خدابنده، دانشگاه آزاد اسلامی، خدابنده، ایران. [farzaneh.pourtaher@gmail.com](mailto:farzaneh.pourtaher@gmail.com)

۳- گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [roodposhti.rahnama@gmail.com](mailto:roodposhti.rahnama@gmail.com)



## ۱- مقدمه

محافظه‌کاری به‌عنوان یکی از اصول محدودکننده حسابداری، سال‌هاست که مورد استفاده قرار می‌گیرد و علیرغم انتقادهای فراوان بر آن، همواره جایگاه خود را در میان سایر اصول حسابداری حفظ نموده است. به طوری که می‌توان دوام و بقای محافظه‌کاری در مقابل انتقادهای وارده بر آن در طول سالیان طولانی را گواهی بر مبانی بنیادین این اصل دانست. همچنین می‌توان از محافظه‌کاری به‌عنوان مکانیزمی نام برد که اگر به درستی اعمال شود، منجر به حل بسیاری از مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد که به طور کلی از شکاف روزافزون بین مدیران و تأمین‌کنندگان منابع مالی واحدهای تجاری ناشی می‌شود. محافظه‌کاری در حسابداری به معنای تفاوت در خط‌مشی‌های انتخابی و مورد قبول اخبار خوب و بد است، باسو (۱۹۹۷) از نقطه‌نظر صورت سود و زیان به تعریف محافظه‌کاری پرداخت و بیان نمود که محافظه‌کاری رویه کاهش سود و کمتر نشان دادن دارایی‌ها در پاسخ به اخبار بد و نیز عدم افزایش سود و بیشتر نشان دادن دارایی‌ها در مقابل اخبار خوب می‌باشد. تأکید محافظه‌کاری بر تمایز قائل شدن بین بازده مثبت و منفی سهام (سود و زیان اقتصادی) است (باسو، ۱۹۹۷: ۵۰).

وی با استفاده از این تعریف به بیان شاخصی برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری پرداخت و به منظور پیاده‌سازی شاخص فوق، بازده‌های مثبت و منفی سهام را به ترتیب عنوان معیاری برای اخبار خوب و بد در نظر گرفت. همچنین این تعریف از محافظه‌کاری رابطه سود - بازده را در نظر می‌گیرد. رسوایی‌های مالی اخیر شرکت‌های بزرگی از قبیل انرون، ووردکام، آدفی، سیسکو و لیوسنت، منجر به کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری مالی گردید. از این‌رو به منظور جلب اعتماد ذینفعان، کیفیت سود به عنوان عاملی مهم برای تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده مورد توجه قرار گرفت. چنین بحران‌هایی، از یک سو بیانگر مشکلات و چالش‌های جهانی مشارکتی بوده و از سوی دیگر نشان‌دهنده اهمیت وجود ساختارهای سرمایه‌گذاران صحیح، نهادهای مالی کارآمد، استانداردهای حسابداری، نظام‌نامه‌های مالی کارا و دسترسی به اطلاعات صحیح و به موقع هستند (ثقفی و کردستانی، ۱۳۸۳). در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محافظه‌کاری به‌عنوان یکی از اجزای خصوصیت کیفی قابل اتکا بودن در نظر گرفته شده است و یکی از عوامل کلیدی ارزیابی شرکت می‌باشد. گزارشگری مالی محافظه‌کارانه از یک جایگاه قدیمی در اصول و شیوه‌های حسابداری برخوردار است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که در طی زمان، گزارش‌های مالی محافظه‌کارتر شده است و این امر در حالی است که فروپاشی شرکت‌های بزرگ در طی سال‌های اخیر، کاربرد مفهوم محافظه‌کاری را به چالش کشیده است. از سوی دیگر، عدم پذیرش محافظه‌کاری به‌عنوان یک مشخصه کیفی مطلوب از گزارشگری مالی در چارچوب مفهومی، جایگاه آن را متزلزل ساخته است.

حسابرسان مستقل به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای، اجتناب از دعاوی حقوقی علیه خویش و نیز اعتباربخشی به صورت‌های مالی به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. حسابرس مستقل علاوه بر اظهارنظر نسبت به صحت صورت‌های مالی و پیوست‌های آن، حسابرسی مستقل حاوی مطالعاتی در پیرامون چگونگی جریان

امور و ارزیابی مستقلی نسبت به نتایج مالی عملیات و فعالیت‌های سیستم و کنترل‌های داخلی برقرار شده در آن نیز می‌شود. اگر حسابرسی با کیفیت منجر به افزایش سطح محافظه‌کاری حسابداری شود و نیز دقت اقلام صورت‌های مالی را با بررسی درست تأیید نموده و یا اینکه در حوزه فردی و حقوقی به تأیید آن‌ها بپردازد، آنگاه این مهم به فعالان بازار سرمایه اطمینان بیشتری را درباره کیفیت گزارشگری مالی خواهد داد. به عبارتی، آیا با افزایش کیفیت حسابرسی، گزارشگری مالی به سمت اهداف محافظه‌کارانه حرکت خواهد نمود؟ از دیدگاه سرمایه‌گذاری، کیفیت پایین سود مطلوب نیست، زیرا بیانگر وجود ریسک در تخصیص منابع به آن بخش بوده و باعث کاهش رشد اقتصادی از طریق تخصیص نادرست سرمایه خواهد شد. از طرفی، کیفیت پایین سود باعث انحراف منابع از طرح‌های با بازده واقعی به سمت طرح‌های با بازده غیرواقعی می‌شود، که این موضوع کاهش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. مسائلی نظیر تضاد منافع بین تهیه‌کنندگان اطلاعات و سرمایه‌گذاران، برآورد برخی اقلام صورت سود و زیان، امکان استفاده از روش‌های متنوع مورد پذیرش حسابداری همچون هموارسازی و مدیریت سود، کاربرد سود به عنوان معیار تصمیم‌گیری را مورد تهدید قرار خواهد داد. این مهم، مستلزم بررسی بیشتر کیفیت سود می‌باشد. در این راستا انگیزه‌های شخصی مدیران برای تأمین منافع خویش در کیفیت سودهای گزارش شده، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند که محافظه‌کارانه بودن سود یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت سود از نظر حسابرسان می‌باشد (کرمی و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین در دهه‌های اخیر بروز و گسترش بحران‌های مالی بر روی اقتصاد بسیاری از کشورها تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم گذاشته است؛ بنابراین ضروری است که به‌منظور مقابله با این بحران مجموعه سیاست‌های منسجمی در تمامی کشورهایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، اتخاذ شود، چراکه در غیر این صورت رکود اقتصادی بر دور نمای رشد اقتصادی جهان حاکم خواهد شد. تأخیر در اجرای سیاست‌های لازم، صرفاً منجر به تشدید بحران و تسریع در انتقال آثار آن به سایر بخش‌ها خواهد شد. اگرچه این کشورها برای رهایی از بحران نیازمند اجرای تعدیلات مالی هستند، اما شدت این تعدیل بستگی به شرایط خاص اقتصادی کشورها دارد. به هر حال این ضرورت وجود دارد که عواملی را که بر روی عدم قطعیت سیاست‌های مالی و اقتصادی یک کشور و بحران‌های اقتصادی و افزایش بدهی و کاهش کیفیت سود شرکت‌ها تأثیر دارد، شناسایی شود. در نهایت نتایج در اختیار سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد تا از این نتایج در اتخاذ سیاست‌های مناسب بهره بگیرند. نقش سیستم‌های مالی و شفافیت مالی تخصیص منابع در طول زمان و بین سرمایه‌گذاری‌های مختلف است که این نقش را با قیمت‌گذاری یک بار بدون ریسک و بار دیگر با ریسک انجام می‌دهد. شکل صحیح سیستم تثبیت مالی به اقتصاد اجازه می‌دهد که به سطح بالایی از رشد البته در صورت ثبات سایر شرایط اقتصاد کلان دست یابد (سلیمی، ۱۳۹۷). از دیدگاه اقتصادی با فرض منطقی بودن رفتار افراد، فرض بر این است که همه در وهله اول به دنبال حداکثر کردن منافع خویش هستند. مدیران نیز از این قاعده مستثنا نیستند. آن‌ها علاقه‌مندند که در راستای حداکثر کردن منافع شخصی، رفاه اجتماعی و تثبیت موقعیت شغلی خود، تصویر مطلوبی از وضعیت مالی واحد تجاری به سهامداران و سایر افراد

ذینفع ارائه نمایند، لکن در برخی موارد الزاماً افزایش ثروت مدیران در راستای افزایش ثروت سایر گروه‌ها از جمله سهامداران نیست. در شرایط نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی، برای مدیران این فرصت فراهم می‌شود تا برای حفظ شغل و اعتبار حرفه‌ای خود، اطلاعات منفی را در داخل شرکت پنهان کنند. از این رو، این اطلاعات منفی در داخل شرکت انباشته می‌شود. هنگامی که توده اطلاعات منفی انباشته به نقطه اوج خود می‌رسد، نگهداری آن برای مدت زمان طولانی‌تر غیرممکن و پرهزینه می‌شود. در نتیجه توده اطلاعات منفی به یکباره وارد بازار شده، به سقوط قیمت و افزایش بدهی و کاهش کیفیت سود منجر می‌گردد. شفافیت در اطلاعات ارائه شده مانند عدم تحریف عمدی اطلاعات و پنهان نکردن اطلاعات و الزام به افشای کلیه اطلاعات مربوط در فرآیند تصمیم‌گیری می‌تواند تا حدی عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. حاصل چنین وضعیتی می‌تواند تصمیم‌گیری صحیح‌تر، آگاهانه‌تر و با ریسک کمتر باشد. بنابراین، نتیجه تصمیم‌گیری، تخصیص منابع به سوی مولدترین و کاراترین شرکت‌ها خواهد بود و شرکت‌های با عملکرد ضعیف نمی‌توانند با فریب بازار و ارائه اطلاعات غیر شفاف منافع کسب کنند و شرکت‌هایی که عملکرد خوبی دارند، با بحران مالی و مشکلات در تأمین منابع مالی مواجه نخواهند شد و امکان ادامه فعالیت سودآور خواهند داشت. در نتیجه، بازار از نظر شفافیت اطلاعات ارائه شده و بهینه بودن تصمیمات اتخاذ شده با ثبات بوده و عدم اطمینان درباره رویدادهای آینده با نوسان‌های کمتری همراه خواهد بود. این‌گونه به نظر می‌رسد که یکی از راهکارهای اساسی برای توسعه سرمایه‌گذاری استفاده از اطلاعات صحیح و قابل اطمینان می‌باشد. بر همین اساس مقاله پیش رو در تلاش برای پاسخگویی به این پرسش است که آیا محافظه‌کاری حسابرِس با وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی منجر به افزایش کیفیت سود خواهد شد. همچنین در ادامه ساختار مقاله به این صورت تنظیم شده است که در بخش دوم مبانی نظری شامل تئوری‌های مطرح و نتایج مطالعات تجربی صورت گرفته در ارتباط با موضوع ارائه شده است. در بخش سوم مدل، روش تحقیق و آزمون‌های مورد استفاده بیان شده است. بخش چهارم نیز به نتایج آزمون‌ها و برآورد مدل اختصاص یافته است. در بخش پنجم خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### محافظه‌کاری حسابرِس

محافظه‌کاری یک مفهوم اساسی حسابداری مالی است. پیشینه پژوهش بر این فرض استوار است که حسابرسان محافظه‌کار هستند (چونگ و همکاران، ۲۰۰۳). میزان محافظه‌کاری مؤسسات حسابرسی، بستگی به عملکرد اقتصادی شرکت‌های صاحبکار و نوع موسسه حسابرسی دارد. به طور ویژه، بسیاری از پژوهشگران مانند باسو و همکاران (۲۰۰۲) و نیز بال و همکاران (۲۰۰۰) ادعا می‌کنند که مشتریان که از مؤسسات بزرگ حسابرسی در رسیدگی به سیستم حسابداری و گزارشگری مالی استفاده می‌کنند، نسبت به سایر مؤسسات حسابرسی،

محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند. حسابداری محافظه‌کارانه بیشتر توسط مشتریان شرکت‌های برتر حسابرسان که نفوذ و قدرت بیان بیشتری در سازمان‌های صاحبکار دارند ارجحیت دارد. باسو (۱۹۹۷) از نقطه‌نظر صورت سود و زیان به تعریف محافظه‌کاری پرداخت و بیان نمود که محافظه‌کاری رویه کاهش سود و کمتر نشان دادن دارایی‌ها در پاسخ به اخبار بد و نیز عدم افزایش سود و بیشتر نشان دادن دارایی‌ها در مقابل اخبار خوب می‌باشد. تأکید محافظه‌کاری بر تمایز قائل شدن بین بازده مثبت و منفی سهام (سود و زیان اقتصادی) است (باسو، ۱۹۹۷: ۵۰).

وی با استفاده از این تعریف به بیان شاخصی برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری پرداخت و به منظور پیاده‌سازی شاخص فوق، بازده‌های مثبت و منفی سهام را به ترتیب عنوان معیاری برای اخبار خوب و بد در نظر گرفت. همچنین این تعریف از محافظه‌کاری رابطه سود - بازده را در نظر می‌گیرد.

در این راستا چونگ و همکاران (۲۰۰۳) با بکارگیری روش محافظه‌کاری باسو و با هدف توسعه تحقیقات باسو، به بررسی نقش حسابرسان مستقل در ترکیب محافظه‌کاری برای رسیدگی به حساب‌های سالیانه یک شرکت پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که رابطه‌ای بین سود گزارش شده شرکت‌ها با عملکرد و تصمیمات مدیران شرکت و نیز حسابرسان مستقل آن‌ها وجود دارد. آن‌ها در تحقیق خود بیان می‌کنند که حسابرسان مستقل تحت تأثیر محافظه‌کاری قرار داشته و نفوذ حسابرسان و انگیزه آن‌ها در رسیدگی به صورت‌های مالی سالیانه در فرایند حسابرسان، منجر به گزارش حسابرسان محافظه‌کارانه خواهد شد. در این راستا برخی از تحقیقات پیشین نیز حاکی از آن است که شرکت‌های بزرگ حسابرسان محافظه‌کارتر از سایر مؤسسات حسابرسان مشابه هستند (بکر ۲ و همکاران، ۱۹۹۸).

محافظه‌کاری حسابرسان، حاصل شناسایی روش‌های پذیرفته شده حسابداری و حسابرسان می‌باشد. پژوهش حاضر شواهدی را برای بررسی محافظه‌کاری حسابرسان فراهم می‌کند که ترکیبی از شاخص اندازه‌گیری سهام برگرفته از مدل باسو (۱۹۹۷)، رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسان بر مبنای کیفیت حسابرسان با استفاده دستورالعمل ماده ده مؤسسات حسابرسان معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و اندازه‌گیری کیفیت حسابرسان بر مبنای مدل چونگ و همکاران (۲۰۰۳) می‌باشد.

### عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی

نااطمینانی وضعیتی است که وقایع آینده و یا احتمال رخ دادن آن‌ها پیش‌بینی نشده است. در دنیای واقعی، اقتصاد سرشار از نااطمینانی عوامل اقتصادی است که به بروز ریسک و مخاطره در فضای تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی منجر شده و رفتار آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نااطمینانی وقتی وجود دارد که یا اتفاقات آینده مشخص و معلوم نباشد و یا با وجود مشخص بودن اتفاقات آینده، احتمال آن‌ها قابل پیش‌بینی نیست. به بیان دیگر، علت اصلی نااطمینانی نبود دانش پیش‌بینی است. در چنین وضعیتی تصمیم‌گیری برای آینده پیچیده و مشکل می‌شود

و بر تصمیمات عاملان اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تشدید نااطمینانی اقتصادی را می‌توان سیاست‌های دولت‌ها عنوان کرد که با توجه به افق زمانی محدود خود سیاست‌های مورد نظر را طراحی می‌کنند (میرزا، ۲۰۱۶).

### انواع عدم قطعیت سیاست اقتصادی و بی‌ثباتی بازار مالی

#### ✓ بهره‌زیان ناشی از نوسانات نرخ بهره

ریسک نوسانات نرخ بهره تغییرات نرخ بهره پرتفوی دارایی‌های شرکت خصوصاً پرتفوی اوراق قرضه دولتی و سایر اوراق بهادار قابل معامله را با بحران مواجه می‌سازد. افزایش ناگهانی نرخ بهره قیمت بازاری اوراق بهادار ای را که در اختیار شرکت است را کاهش می‌دهد و آن را با زیان عمده‌ای در اوراق بهادار خود مواجه می‌سازد. به بیان دیگر قیمت اوراق قرضه در بازار در جهت مخالف نرخ بهره اوراق قرضه حرکت می‌کند. تغییر در نرخ بهره بر حاشیه درآمد عملیاتی شرکت نیز اثر می‌گذارد و به عبارت دیگر زیان‌های ناشی از تغییرات پیش‌بینی نشده نرخ بهره که باعث کاهش سود شرکت یا کاهش ارزش دارایی‌ها نسبت به بدهی‌ها می‌شوند که ریسک نرخ بهره نام دارند.

#### ✓ ریسک نرخ بازار زیان ناشی از نوسانات نرخ ارز

ریسک نرخ ارز از تغییرات قیمت یک واحد پول نسبت به واحد پولی دیگر ناشی می‌شود. این ریسک زمانی به وجود می‌آید که سرمایه‌گذاری در واحدهای پولی مختلف انجام می‌شود، در مورد سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی، وقتی یک شرکت اروپایی در سهام آمریکایی سرمایه‌گذاری می‌کند، ریسک کل، نه تنها از ریسک سهام مربوط به سهام آمریکایی، بلکه از ریسک نوسان نرخ ارز یعنی نرخ یورو به دلار نیز تأثیر می‌پذیرد. طلا هم به عنوان یک کالا و هم به عنوان یک واحد پول در نظر گرفته می‌شود و در مواقعی که نوسان‌های زیادی ارزی داشته باشد جایگزین پول می‌شود. ریسک ارز در مورد محصولات و همچنین تعهداتی که به واحد پول خارجی ارائه شده‌اند وجود دارد. ریسک ارز در رژیم‌های پولی ثابت به نسبت رژیم‌های پولی شناور کمتر است؛ اما حتی در چنین مواردی هم تنزیل پول به هم ارزش‌گذاری مجدد پول که ارزش یک جفت واحد پول را نسبت به هم تغییر می‌دهد و رژیم‌های ثابت را به رژیم‌های شناور تبدیل می‌کند که پول را ایجاد خواهد کرد. این نوع ریسک عبارت است از احتمال زیان ناشی از افزایش یا کاهش ارزش پول کشور محل استقرار نهاد مالی نسبت به پول سایر کشورها که معمولاً در آن نهاد و مالی نوعی دارایی یا بدهی محسوب می‌شود (طالبی و شیرزادی، ۱۳۹۰).

#### ✓ ریسک سرمایه‌سهمی

قیمت سهام متغیر است و می‌تواند نوسان‌های قابل توجهی در طول زمان داشته باشد ریسک سرمایه در یک پرتفوی حرکت معکوس قیمت یک سهم پرتفوی را نشان می‌دهد. محصولات اصلی که در معرض ریسک سرمایه

<sup>1</sup> meiers

قرار دارد، عبارتند از: سهام عادی شرکت، اوراق بهادار قابل تبدیل، تعهد نسبت به خرید یا فروش سهام و محصولات مشتقه.

#### ✓ ریسک کالا

ریسک کالا ناشی از تغییرات نامعلوم در قیمت آتی قیمت‌های آتی کالاهاست. یک کالا محصولی فیزیکی است که می‌تواند در بازار ثانویه معامله شود. چند نمونه از کالاها عبارتند از: محصولات کشاورزی (غلات و دام)، فلزات قیمتی (نقره و مس) و مواد معدنی (سنگ آهن، گاز، برق). قیمت بستگی زیادی به تغییرات عرضه و تقاضا دارند. بازارهای کالا در مقایسه با بازارهای پول و نرخ بهره، نقدشوندگی کمتری دارند. این امر مدیریت ریسک کالاها را پیچیده‌تر می‌سازد (علیزاده، ۱۳۹۱).

✓ ریسک پایه زیان ناشی از عدم هماهنگی نوسانات بازار بازده ابزارهای مالی مختلفی که کیفیت اعتباری

نقدینگی و سررسید مشابهی ندارند:

✓ ریسک تمرکز زیان ناشی از تمرکز سرمایه‌گذاری در یک منطقه جغرافیایی و یا یک بخش اقتصادی:

ریسک اقلام خارج از ترازنامه زیان ناشی از نوسانات ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های احتمالی نظیر سوآپ‌ها و سایر اقلام ای که در ترازنامه منعکس نمی‌گردند (تهرانفر، حکاک، ۱۳۸۷).

#### کیفیت سود

یکی از عواملی که مدیران را به گزارش سودهای ظاهری تشویق می‌کند، انگیزه‌های بازار سرمایه است. سودهای پرنوسان در طی سال‌های مختلف برای یک شرکت موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران شده و ریسک شرکت را افزایش می‌دهد، بنابراین مدیران تلاش می‌نمایند جریان هموار از سود را گزارش نمایند. یکی از عواملی که می‌تواند منجر به ایجاد نوسان در سود شرکت‌ها شود، آثار رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران است. منظور از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری است که مدیران در شرایط نامطمئن و پرخطر اتخاذ نموده و معمولاً دارای بازدهی متفاوت از جریان عادی عملیات شرکت می‌باشد. آثار این گونه تصمیم‌ها معمولاً سود واحد تجاری را دچار نوسان می‌نماید (جلینک ۳، ۲۰۰۷).

در ادبیات حسابداری از جمله مواردی که تأثیر آن بر کیفیت سود با در نظر گرفتن نقش آن در میزان رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران بررسی شده، تأمین مالی است. نتایج پژوهش‌های پیشین مانند بیتی و وبر (۲۰۰۳)، دیچو و اسکینر ۵ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که تأمین مالی از طریق بدهی بالا به طور بالقوه باعث افزایش نوسان سود از طریق استفاده اقلام تعهدی مدیریت شده و سایر انتخاب‌های حسابداری افزایش‌دهنده سود می‌گردد. دلیل این کار تلاش در جهت پیشگیری از تخلف مفاد قراردادهای بدهی می‌باشد. از طرف دیگر، بر اساس نتایج پژوهش‌های جنسن (۱۹۸۶)، کریستی و زیمرمن ۶ (۱۹۹۴) و ایستروود ۷ (۱۹۹۷) می‌توان به این نتیجه رسید که با توجه به



نقش میزان رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در میزان مدیریت سود، افزایش تدریجی اهرم مالی باعث کاهش مدیریت سود می‌گردد.

شرکت‌هایی که سود آنها با کیفیت است ریسک پایین‌تری برای جلب نظر سرمایه‌گذاران به منظور تأمین مالی دارند. از این رو تأمین‌کنندگان منابع شرکت‌ها به دنبال سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که واجد سودهای با کیفیت می‌باشند. در واقع ورود سرمایه و تأمین مالی برای مؤسسات و شرکت‌هایی که سودهای با کیفیتی دارند آسان‌تر است زیرا یک اطمینان منطقی در سرمایه‌گذاران برای کسب بازده مورد نظر را به وجود می‌آورند. از طرفی شرکت‌هایی که سودهایی با کیفیت پایین یا بی‌کیفیت را تجربه می‌کنند برای جلب نظر سرمایه‌گذاران می‌بایست نرخ بازده بالاتری را نسبت به سایر شرکت‌ها برای ایشان تأمین کنند، از این رو نرخ بازده از دید سرمایه‌گذاران و تأمین‌کنندگان منابع مالی و نرخ هزینه سرمایه از دید شرکت‌ها و مؤسسات افزایش می‌یابد (ساسانی و کرمی، ۱۳۸۹).

#### محافظه‌کاری حسابرسان با وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و تأثیر آن بر کیفیت سود

فرایند حسابرسی بخش اساسی گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌باشد که مسئولیت اصلی آن نظارت بر سلامت رویه‌ها و کنترل‌های گزارشگری مالی اعمال شده توسط مدیریت در راستای حمایت از حقوق سهامداران و سایر ذینفعان است که به نیابت از هیات مدیره صورت می‌گیرد. کمیته‌های حسابرسی از طریق نظارت مؤثر و آگاهانه نقش ارزشمندی را در کمک به جلب اعتماد بازار به گزارشگری مالی با کیفیت بالا ایفا می‌نمایند و یکی از حلقه‌های اصلی زنجیره ارزش گزارشگری شرکت محسوب می‌شود. بر اساس ماده ده دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیریت ارشد شرکت باید کمیته حسابرسان را زیر نظر هیات مدیره مطابق با ضوابط سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل دهد. اعضای کمیته حسابرسان باید متشکل از سه تا پنج نفر و اکثریت آنها مستقل و دارای تخصص مالی باشند. از جمله ویژگی‌های کمیته حسابرسان می‌توان به تخصص اعضا اشاره نمود. بر اساس بند یک ماده پنج منشور کمیته حسابرسان، اکثریت اعضای کمیته بایستی دارای تخصص مالی باشند. مطابق بند شش ماده یک، تخصص مالی اعضا مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی تعریف می‌شود. داشتن تخصص مالی به اعضای کمیته کمک می‌کند که قضاوت‌های حسابرسان را بهتر درک کرده و نظارت مؤثرتری به رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی داشته باشند. در صورت وجود تخصص مالی اعضای کمیته از مسائل مرتبط با بازار و فرایندهایی که به افزایش ارزش افزوده و ارزش بازار شرکت منجر می‌شود درک بالاتری دارند. با توجه به اینکه انگیزه اصلی مدیریت از افشای اطلاعات مالی، بالا بردن ارزش سهام شرکت در بازار می‌باشد، بنابراین به نظر می‌رسد که بین محافظه‌کاری حسابرسان و تأثیر آن بر کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد (چونگ و همکاران، ۲۰۰۳). عدم تقارن اطلاعاتی افراد داخل



شرکت و سرمایه‌گذاران خارج از شرکت باعث ایجاد تقاضا برای محافظه‌کاری می‌شود، زیرا محافظه‌کاری انگیزه و توانایی مدیران را در دستکاری اعداد حسابداری کاهش می‌دهد و از این رو باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و زیان‌های ناشی از آن می‌شود (عباسی نژاد، ۱۳۸۰).

از طرفی؛ به منظور ایجاد امنیت در بازار برای جذب سرمایه‌های بیشتر لازم است عوامل کلان مؤثر بر سرمایه‌گذاری اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی مورد بررسی قرار گرفته و با ترسیم دقیق خطرها و بازده‌های احتمال، تصمیم‌گیری مناسب توسط سرمایه‌گذاران صورت گیرد. از جمله این عوامل، می‌توان به سیاست‌های اقتصادی دولت و نااطمینانی‌های مربوط به آن اشاره نمود. نااطمینانی و عدم قطعیت وقتی وجود دارد که یا اتفاقات آینده مشخص و معلوم نباشد و یا با وجود مشخص بودن اتفاقات آینده، احتمال آن‌ها قابل پیش‌بینی نیست. به بیان دیگر، علت اصلی نااطمینانی نبود دانش پیش‌بینی است. در چنین وضعیتی تصمیم‌گیری برای آینده پیچیده و مشکل می‌شود و بر تصمیمات عاملان اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تشدید نااطمینانی اقتصادی را می‌توان سیاست‌های دولت‌ها عنوان کرد که با توجه به افق زمانی محدود خود سیاست‌های مورد نظر را طراحی می‌کنند. وجود استانداردهای حسابداری و مقررات می‌تواند سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها را در وجود ریسک‌های داخلی و قابل کنترل یاری نماید. یکی از اهداف اساسی وضع استانداردهای حسابداری این است که استفاده‌کنندگان بتوانند با اتکا بر صورت‌های مالی تصمیم‌های نسبتاً مربوط و صحیحی اتخاذ کنند، پس نیاز حرفه حسابداری به آن شیوه گزارشگری می‌باشد که منافع تمام استفاده‌کنندگان به صورتی مطلوب رعایت شود (محمد بی‌تار و همکاران؛ ۲۰۱۷). در واقع، در چنین بازاری محتوای اطلاعات افشا شده بر شکل افشای آن ارجحیت دارد. بنابراین، شفافیت که از ویژگی‌های محتوایی اطلاعات است، در بهبود سطح کارایی بازار تأثیر بسیاری دارد. (شاکری، ۱۳۹۶).

محافظه‌کاری رفتار فرصت‌طلبانه مدیر را محدود می‌نماید و از طریق تأییدپذیری نامتقارن، سویه‌های مدیریتی را کاهش می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که در صورت نبود قرارداد نیز محافظه‌کاری یک مکانیزم گزارشگری مالی کارا می‌باشد. سایر تفسیرهایی که از محافظه‌کاری می‌شوند، نشان می‌دهند که علاوه بر نقش محافظه‌کاری در کاهش سویه مدیریتی در گزارشگری مالی، گروه‌های که درگیر در قراردادها نیستند نیز برای محافظه‌کاری به عنوان محدودیتی که پرداخت‌های فرصت‌طلبانه به مدیران و سایر گروه‌های طرف قرارداد را محدود می‌نماید، ارزش قائل هستند (گوچارانی ۸، ۱۹۹۵).

با توجه به هزینه بر بودن ارزیابی کیفیت حسابرسان برای مشتریان و نبود حسابرسان بزرگ بین‌المللی در بازار حسابرسی ایران، سازمان بورس اوراق بهادار مؤسسات متعمد بورس را به چهار طبقه دسته‌بندی کرده است. این سازمان مؤسسات حسابرسی طبقه "اول" را با کیفیت‌ترین مؤسسات حسابرسی معرفی می‌کند. با توجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس اوراق بهادار، به نظر می‌رسد که مؤسسات حسابرسی طبقه اول باید منابع انسانی (کارکنان

و شرکای حسابرسی) کافی و با تجربه، استقلال بیشتر و سیستم کنترل کیفیت مناسب‌تری نسبت به مؤسسات حسابرسی سایر طبقات داشته باشند.

### ۳- پیشینه مطالعات

در این راستا وانگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر عدم اطمینان سیاست اقتصادی بر نوسانات سهام مالی چین با بکارگیری الگوی میداس برای بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۰ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که عدم اطمینان سیاست اقتصادی در سراسر جهان و در اتحادیه اروپا، ژاپن، روسیه، برزیل، کانادا و چین با نوسانات بلندمدت سهام مالی چین ارتباط منفی دارد. افزایش عدم اطمینان در سیاست‌های اقتصادی ایالات‌متحده از سال ۲۰۱۷ تاکنون تأثیر منفی بر نوسانات سهام مالی چین داشته است. لی و ژانگ<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر شوک‌های عدم اطمینان سیاست اقتصادی بر شرایط مالی چین پرداختند. نتایج شاخص سرریز نشان داد که اثرات سرریز EPU<sup>۳</sup> جهانی بر CFCI در دوره‌های بحران متمرکز شده است، اما بیشتر در دوره‌های عادی اثر ناچیز است. شوک عدم اطمینان ناشی از خود چین مهمترین منبع بی‌ثباتی بازارهای مالی چین بود و به نظر می‌رسد EPU ایالات‌متحده مهمترین علت برونزا سقوط CFCI<sup>۴</sup> باشد. منبع شوک‌های عدم اطمینان طولانی‌مدت با گذشت زمان تغییر کرد. نارتیا و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی حساسیت سهام و عدم قطعیت سیاست اقتصادی پرداختند. آنها حساسیت سهام را نسبت به شاخص عدم قطعیت سیاست اقتصادی (EPU) تخمین زدند و نشان دادند که سهام در بازار استرالیا در بالاترین میزان عدم قطعیت کوانتیل بتا، عملکرد مشابه با سهام ایالات‌متحده که کمترین عملکرد در پایین‌ترین کوانتیل را دارد. با این حال، متوجه می‌شوند که این عدم قطعیت منفی تنها در دوره‌های پایین احساس سرمایه‌گذاران قابل توجه باقی می‌ماند، زیرا در پی دوره‌های پرخاشگری ناپدید می‌شود. نتایج آنها شواهد ایالات‌متحده را تکمیل می‌کند، مبنی بر عدم اطمینان سرمایه‌گذاران، مایل به پرداخت قیمت‌های بالا برای سهام با عدم قطعیت مثبت بتا و برای نگهداری سهام با بتا منفی به غرامت اضافی نیاز دارند، اما فقط در دوره‌های پایین احساس. این نتایج با تقاضای تضمین بین دوره‌های قوی (ضعیف) برای سهام بتا EPU مثبت در دوره‌های کم (زیاد) سازگار است. همچنین با مشارکت محدود (کامل) سرمایه‌گذاران بدبین و سرمایه‌گذاران با انزجار زیاد نسبت به عدم اطمینان در دوره‌های کم (زیاد) احساسات سازگار است. نتایج حاکی از آن است که شرط‌بندی در برابر EPU به عنوان یک استراتژی تجاری، در صورت اجرا در دوره‌های کم احساس، نسبتاً سودآورتر خواهد بود. ماوتور و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به ارزیابی عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی و

<sup>۱</sup> . Xinyu Wang, Yi Luo, Zhuqing Wang, Yan Xu, Congxin Wu

<sup>۲</sup> . Zhenghui Li, Junhao Zhong

<sup>۳</sup> . Uncertainty of economic policies

<sup>۴</sup> . Cambridge Forum for the Construction Industry

<sup>۵</sup> . Gilbert V. Nartea

سود: "بررسی انتخابی شرکت‌های فهرست شده در بورس سهام غنا پرداختند. این مطالعه عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرِس و سود را در شرکت‌های فهرست شده در غنا را مشخص می‌کند. از روش مقطعی در آنالیز استفاده شد که در آن یک مدل رگرسیون خطی بود همچنین برای تعیین تأثیر متغیرهای مستقل استفاده می‌شود. اندازه حسابرِس، وجود کمیته حسابرِس و لگاریتم کارمزد حسابرِس به عنوان متغیرهای مستقل و کیفیت حسابرِس متغیر وابسته می‌باشد. برای عادی‌سازی داده‌ها از لگاریتم هزینه‌های حسابرِس استفاده شد. دانش (۲۰۱۹) طی تحقیقی با عنوان بررسی اثربخشی کمیته حسابرِس و کیفیت حسابرِس بر مدیریت سود دریافتند که ارتباط کاملی بین امتیاز اثربخشی کمیته حسابرِس و تخصص حسابرِس در صنعت با کاهش مدیریت سود وجود دارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد، رابطه‌ای مکمل بین اثربخشی کمیته حسابرِس و دوره تصدی حسابرِس، بعد از تصویب قانون امنیت مالی در سال ۲۰۰۵ در کشور تونس وجود دارد. سولتان و همکاران (۲۰۱۹)، در تحقیقی با عنوان تجربه اعضای کمیته حسابرِس و کیفیت حسابرِس به بررسی این امر پرداختند که آیا تجربه اعضای کمیته حسابرِس با کیفیت حسابرِس مرتبط است یا خیر. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از رگرسیون چندگانه استفاده شد. با استفاده از مشاهدات از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲، معادل ۱۳۱۵۵ سال-شرکت مشاهده نتایج نشان داد اعضای باتجربه عضو کمیته حسابرِس تأثیر مثبتی بر هزینه‌های حسابرِس دارند. طیف وسیعی از آزمون‌های اضافی، نشان داد اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان یک معیار جایگزین از کیفیت حسابرِس بکار برده می‌شود. استیک و سرلتیس (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی عدم قطعیت سیاست اقتصادی و بازده واقعی: شواهدی از کشورهای G7 برای بازه زمانی ۲۰۱۵-۱۹۸۵ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که عدم قطعیت سیاست اقتصادی ضد بحرانی است که منجر به افزایش شوک‌های عدم قطعیت می‌شود و پاسخ‌های بازده واقعی به شوک‌های عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر اساس شرایط خاص کشورها، مثبت و منفی می‌باشد. تحقیقات برای سیاست‌گذاری و به نفع سیاست‌هایی که عدم قطعیت اقتصادی و اثرات منفی آن بر اقتصاد را از بین می‌برد، مهم است؛ بنابراین وجود یک سیستم مالیاتی شفاف و مجموعه‌ای از سیاست‌های مالی و پولی قابل پیش‌بینی می‌تواند هزینه‌های اجتماعی عدم قطعیت سیاست اقتصادی را به حداقل برساند.

فرهادی و همکاران (۱۳۹۹) طی پژوهش با عنوان ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرِس بر تأخیر در گزارشگری مالی دریافتند که میان اندازه موسسه حسابرِس، تعدیلات سنواتی، نوع اظهارنظر، دوره تصدی حسابرِس و اهرم مالی با تأخیر در گزارشگری مالی رابطه مثبتی وجود دارد و بین سودآوری شرکت با تأخیر در گزارشگری رابطه منفی مشاهده شده است. همچنین بین سایر متغیرها (تغییر شریک یا مدیر امضاکننده گزارش، رتبه کیفی مؤسسات حسابرِس، رتبه نقد شونددگی و اندازه شرکت حسابرِس شونده) با تأخیر در گزارشگری مالی رابطه معناداری مشاهده نگردید. طاهرآبادی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی به بررسی اثر ویژگی‌های حسابرِس بر کیفیت حسابرِس پرداختند. طبق نتایج این مطالعه، تجربه کاری، تعهد حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری اثر چشمگیری بر کیفیت

<sup>۱</sup>. Khandokar Istiak et al

حسابرسی دارد. استخدام افراد با تجربه کاری بالا، کیفیت حسابرسی را به دلیل شایستگی حرفه‌ای حسابرسان افزایش می‌دهد و حسابرسان به دانش عمیق‌تر و قضاوت بهتری در جهت دستیابی به کیفیت حسابرسی دست پیدا می‌کنند؛ مؤسسات حسابرسی نیز باید هنگام استخدام نیروهای جدید، بر کار حسابرسان کم‌تجربه و حسابرسانی که موفقیت را به شرایط نسبت می‌دهند و توانایی پذیرش مسئولیت خود را ندارند نظارت کرده و زمینه تعهد آنان به موسسه و حرفه حسابرسی را فراهم کنند. مسئولیت‌پذیری عملکرد حسابرسان را بهبود می‌بخشد. جامعی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مشخصات هیئت‌مدیره بر کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. منظور دستیابی به هدف پژوهش، تعداد ۷۹ شرکت از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۱ به روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک انتخاب و در مجموع ۴۷۴ سال - شرکت که جهت انجام تحلیل در نظر گرفته شد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش شامل؛

محافظه‌کاری حسابرسان بر کیفیت سود شرکت‌های بoursی اثر معنی‌دار دارد و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود شرکت‌های بoursی اثر معنی‌دار دارد. از الگوی رگرسیونی چندمتغیره و نیز داده‌های ترکیبی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین تخصص حسابداری کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد. همچنین بین استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد، در ارتباط با نسبت اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری یافت نشد، همچنین نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد. همچنین یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد بین تغییر در اعضای هیئت‌مدیره و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد نتایج نشان داد بین مدرک تحصیلی اعضای هیئت‌مدیره و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. منصوری (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر کیفیت کمیته حسابرسی پرداخت. این تحقیق به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیات مدیره از جمله دانش مالی، نسبت اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره و جدایی نقش رئیس هیات مدیره از رئیس کمیته حسابرسی بر کیفیت کمیته حسابرسی، می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمامی ویژگی‌های هیات مدیره بر کیفیت کمیته حسابرسی اثر می‌گذارد. ودیعی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. متغیر مستقل در این تحقیق اندازه اعضای کمیته حسابرسی، تخصص اعضای کمیته حسابرسی، استقلال اعضای کمیته حسابرسی و متغیر وابسته، کیفیت حسابرسی می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها، اطلاعات ۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ (۴۰۰ سال شرکت) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. این تحقیق از لحاظ تقسیم‌بندی برحسب هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و نوع تحقیق آن توصیفی - همبستگی و از لحاظ روش‌شناسی، تحقیق پس‌رویدادی است. برای نتیجه آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیونی خطی چندگانه به

کمک داده‌های پانلی استفاده گردید نتایج تحقیق نشان داد که؛ استقلال اعضای کمیته حسابرسان بر کیفیت حسابرسان تأثیر مستقیم و معناداری دارد. اندازه اعضای کمیته حسابرسان بر کیفیت حسابرسان تأثیر معناداری ندارد. تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسان بر کیفیت حسابرسان تأثیر معکوس و معناداری دارد. خطیبی و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسان بر دستکاری سود بر اساس ارقام واقعی با تأکید بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. به منظور بررسی این موضوع نمونه‌ای متشکل از ۸۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۵ ساله بین ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ انتخاب گردید. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون حداقل مربعات تجمیع شده استفاده شده است. از بین ویژگی‌های کمیته حسابرسان اندازه، استقلال و تخصص اعضای کمیته حسابرسان در نظر گرفته شد و دستکاری سود بر اساس ارقام واقعی اندازه‌گیری گردید. نتایج حاکی از آن است که کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسان با مدیریت سود تأثیرگذار است، بدین صورت که کیفیت گزارشگری مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر با تعدیل اندازه و تخصص کمیته حسابرسان تأثیر مثبت و معنی‌داری بر مدیریت سود واقعی دارد ولی با تعدیل استقلال کمیته حسابرسان تأثیر معنی‌داری بر رابطه آن با مدیریت سود واقعی شرکت‌ها ندارد. محمدرضایی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین رتبه مؤسسات حسابرسان معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسان پرداختند. بدین منظور ۱۷۳۶ مشاهده جمع‌آوری شده از گزارشات مالی سالیانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ مورد آزمون قرار گرفته‌اند. در این پژوهش ارقام تعهدی اختیاری اندازه‌گیری شده بر اساس مدل‌های کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، دیجوودیچف (۲۰۰۲) و بالوشیواکومار (۲۰۰۶) به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسان بکار برده شده‌اند. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون خطی چندگانه نشان می‌دهد که سطح قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری صاحبکاران مؤسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" کمتر از سطح قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری صاحبکاران مؤسسات معتمد سایر طبقات نیست؛ به عبارت دیگر کیفیت حسابرسان مؤسسات حسابرسان خصوصی معتمد طبقه "اول" بالاتر از کیفیت حسابرسان مؤسسات معتمد سایر طبقات نیست. نتایج این پژوهش با انجام چندین آزمون حساسیت پشتیبانی شده است که در این پژوهش محافظه‌کاری حسابرسان منجر به افزایش کیفیت سود می‌شود.

#### ۴- تصریح الگو و معرفی متغیرها

با الگوپذیری از مقالات وانگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، لی و ژانگ<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، در زمینه عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی، ماوتور و همکاران (۲۰۱۹)، دانیش (۲۰۱۹) در زمینه محافظه‌کاری حسابرسان و سولتانان و همکاران (۲۰۱۹)، اخالومه و همکاران (۲۰۱۷) در زمینه کیفیت سود مدل تحلیلی تحقیق به صورت رابطه ۱ بیان می‌گردد:

<sup>۱</sup>. Xinyu Wang, Yi Luo, Zhuqing Wang, Yan Xu, Congxin Wu

<sup>۲</sup>. Zhenghui Li, Junhao Zhong

$$EQ_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 AC_{i,t} + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 EPU_{i,t} + \alpha_4 LEV_{i,t} + \alpha_5 INST_{i,t} + \alpha_6 M/B_{i,t} + \alpha_7 CFO_{i,t} + \alpha_8 BIG_{i,t} + \alpha_9 TEN_{i,t} + \alpha_{10} LOSS_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در معادلات بالا:

EQ: کیفیت سود، AC: محافظه‌کاری حسابرِس، SIZE: اندازه شرکت، LEV: اهرم مالی، INST: سهامداران نهادی، M/B: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، CFO: جریان نقدی عملیاتی، BIG: اندازه موسسه حسابرسی، TEN: تداوم انتخاب حسابرِس، LOSS: زیان، EPU: عدم قطعیت سیاست اقتصادی،  $\varepsilon$ : خطای برآورد می‌باشد. برای محاسبه متغیر مستقل محافظه‌کاری حسابرِس از مدل چونگ و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شده است. همچنین برای محاسبه متغیر وابسته کیفیت سود نیز مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) مورد استفاده قرار گرفته است. متغیرهای کنترلی این پژوهش شامل عدم قطعیت سیاست اقتصادی، اندازه شرکت، اهرم مالی، سهامداران نهادی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، جریان نقدی عملیاتی، اندازه موسسه حسابرسی، تداوم انتخاب حسابرِس و زیان می‌باشد که نحوه محاسبه هر کدام جداگانه در ادامه توضیح داده شده است.

#### ◀ جامعه آماری تحقیق

شرایط انتخابی حجم نمونه آماری تحقیق عبارت‌اند از:

- (۱) شرکت‌های بورسی قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس پذیرفته‌شده و تا پایان سال ۱۳۹۸ در بورس فعال باشد.
- (۲) به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت‌های هلدینگ، بیمه و لیزینگ و تفاوت قابل‌ملاحظه آن‌ها با بانک‌ها و مؤسسات انتخابی جز موارد یادشده نباشد.
- (۳) سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی بازه زمانی تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشد.
- (۴) سهام شرکت‌ها در طول هر یک از سال‌های دوره تحقیق در بورس معامله‌شده باشد و قیمت پایان دوره در دسترس باشد.
- (۵) اطلاعات مالی شرکت‌ها در دسترس باشد.

بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۵۰ شرکت بورسی به‌عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است که تمامی آن‌ها به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب‌شده‌اند بنابراین مشاهدات ما طی بازه زمانی ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ به ۱۰۵۰ داده (۷ سال × ۱۵۰ شرکت) می‌رسد. در این مطالعه به منظور تخمین مدل از برآورد اقتصادسنجی پانل ایستا (مدل اثرات ثابت و تصادفی) استفاده می‌شود.

#### ◀ متغیرهای پژوهش و نحوه محاسبه آنها

##### • محافظه‌کاری حسابرِس

جهت سنجش محافظه‌کاری حسابرِس از مدل چونگ و همکاران (۲۰۰۳) بهره گرفته شد. وی با بکارگیری مدل باسو (۱۹۹۷) و بسط آن به ترتیبی زیر محافظه‌کاری حسابرِس را سنجیده است:

$$E/P = \beta_0 + \beta_1 D + \beta_2 R + \beta_3 R.RANK + \beta_4 R.D + \beta_5 R.D.RANK + \beta_6 R.DPB + \beta_7 R.DRHO + \beta_8 R.DSD + \beta_9 R.DSIZE + \beta_{10} R.D.DPB + \beta_{11} R.D.DRHO + \beta_{12} R.D.DSD + \beta_{13} R.D.DSIZE \quad (2)$$

E/P: نسبت سود به قیمت هر سهم

D: یک متغیر مجازی است که چنانچه بازدهی سهام منفی باشد؛ برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است.

R: بازده سهام شرکت در سال t

RANK: متغیر مجازی، اگر موسسه حسابرسی شرکت دارای رتبه یک باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر است (بر اساس چک لیست دستورالعمل طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی و اشخاص موضوع ماده صفر دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار مؤسساتی که بیشتر از ۷۰۰ امتیاز کسب نمایند دارای رتبه یک، بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ امتیاز دارای رتبه ۲، بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ امتیاز دارای رتبه ۳ و کمتر از ۵۰۰ امتیاز دارای رتبه چهار می‌باشند).

DPB: متغیر مجازی، اگر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بالاتر از متوسط ارزش دفتری شرکت‌های نمونه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

DRHO: متغیر مجازی، اگر ضریب خودهمبستگی سودهای فصلی شرکت در طول سال بالاتر از متوسط ضریب خودهمبستگی سود شرکت‌های نمونه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

DSD: متغیر مجازی، اگر انحراف معیار سودهای فصلی در طول سال بالاتر از متوسط انحراف معیار سود شرکت‌های نمونه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

DSIZE: متغیر مجازی، اگر اندازه شرکت در پایان سال، بالاتر از متوسط اندازه شرکت‌های نمونه باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

لازم به ذکر است که ضریب  $\beta_5$  در مدل فوق، نشانگر محافظه‌کاری حسابرسان می‌باشد.

• **عدم قطعیت سیاست اقتصادی (EPU):**

که از انحراف استاندارد میانگین بازده قیمت سهام شرکت در طی سال مالی که بعد از محاسبه بازده قیمت سهام شرکت، با استفاده از فرمول؛ انحراف استاندارد میانگین بازده قیمت سهام شرکت محاسبه می‌شود:

$$EPU_{i,t} = \frac{\sum_{i=1}^n |r - r^-|}{n}$$

• **کیفیت سود**

به منظور محاسبه کیفیت سود از ارقام تعهدی اختیاری مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) که شاخصی جهت اندازه‌گیری کیفیت سود می‌باشد، استفاده شده است. بدین منظور جهت به دست آوردن ارقام تعهدی اختیاری،

ابتدا باید اقلام تعهدی کل و اقلام تعهدی غیراختیاری محاسبه گردد که در نهایت اقلام تعهدی اختیاری حاصل تفاضل این دو خواهد بود.

در این روش برای محاسبه متغیرهای مربوط به کل اقلام تعهدی از معادله ۳ استفاده می‌کنیم:

$$TA_t = N.I_t - CFO_t \quad (۳)$$

$TA_t$ : جمع کل اقلام تعهدی شرکت در سال  $t$

$N.I_t$ : سود خالص در سال  $t$

$CFO_t$ : جریان‌های نقدی عملیاتی در سال  $t$

قبل از محاسبه اقلام تعهدی اختیاری، برای محاسبه اقلام تعهدی غیر اختیاری از معادله ۴ استفاده شد:

$$NDA_t = \alpha_1 [1 / A_{t-1}] + \alpha_2 [(\Delta REV - \Delta REC) / A_{t-1}] + \alpha_3 [PPE / A_{t-1}] \quad (۴)$$

$NDA_t$ : اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت در سال  $t$

$A_{t-1}$ : جمع دارایی‌های شرکت در سال  $t-1$

$\Delta REV$ : تغییر در خالص درآمد حاصل از فروش شرکت (بین سال  $t-1$  و سال  $t$ )

$\Delta REC$ : تغییر در خالص حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری شرکت (بین سال  $t-1$  و سال  $t$ )

$PPE$ : میزان املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات برای شرکت در سال  $t$

$\alpha_1$  و  $\alpha_2$  و  $\alpha_3$ : پارامترهای برآورد شده خاص شرکت

$\alpha_1$  و  $\alpha_2$  و  $\alpha_3$ : پارامترهای برآورد شده خاص شرکت می‌باشد و از رابطه رگرسیونی ۵ محاسبه می‌شوند.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_1 (1/A_{i,t-1}) + \alpha_2 (\Delta REV_{i,t} / A_{i,t-1}) + \alpha_3 (PPE_{i,t} / A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t} (\Delta)$$

لازم به ذکر است که در مدل مذکور، برای استاندارد کردن و موزون شدن پارامترها به منظور کاهش نوسانات، از جمع کل دارایی‌های شرکت در ابتدای هر دوره استفاده شده است و در صورتی که اقلام تعهدی غیر اختیاری ( $NDA$ ) از جمع کل اقلام تعهدی ( $TA$ ) کسر گردد، اقلام تعهدی اختیاری ( $DA$ ) که جزء باقیمانده معادله رگرسیونی فوق است حاصل شد. پس از برآورد اقلام تعهدی اختیاری از قدرمطلق آنها لگاریتم گرفته شد که نشانگر کیفیت سود در شرکت‌های نمونه پژوهش می‌باشد.

#### • متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت



**اهرم مالی:** برابر با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

**سهامداران نهادی:** از حاصل نسبت سهام در دست سرمایه‌گذاران نهادی بر تعداد کل سهام منتشره شرکت قابل محاسبه می‌باشد. برای محاسبه درصد مالکیت نهادی در شرکت، تعداد سهام مالکیت نهادی بر کل تعداد سهام عادی شرکت، در پایان دوره تقسیم می‌شود

**ارزش بازار به ارزش دفتری:** (تعداد سهام شرکت \* ارزش هر سهام شرکت) / ارزش حقوق صاحبان سهام

**جریان نقدی عملیاتی:** برابر است با نسبت خالص جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی

**رتبه مؤسسه حسابرِس:** متغیر مجازی، در صورتی که حسابرِس شرکت مؤسسات حسابرِس دارای رتبه ۱ بوده باشد برابر ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

**تداوم انتخاب حسابرِس:** برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سنواتی که مؤسسه حسابرِس به طور متوالی شرکت مورد بررسی را حسابرِس نموده است.

**زبان:** اگر شرکت زبان ده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر است.

## ۵- یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص متغیر	نماد	تعداد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
کیفیت سود	EQ	۱۰۵۰	۰/۰۲۴۰۷۲	۰/۰۰۶۹۰۴	۰/۹۱۹۳۷۴	۰/۰۰۰۱۰۴	۰/۰۶۱۶۶۴
محافظه‌کاری حسابرِس	AC	۱۰۵۰	۰/۰۴۴۳۲۲	۰/۰۰۱	۰/۱۰۲۷۹۱	-۰/۰۱۰۰	۰/۰۱۴۶۶۷
عدم قطعیت سیاست اقتصادی	EPU	۱۰۵۰	۷/۹۲۵۳۶۵	۶/۴۶۱۶۶۴	۶۸/۳۵۶۴۲	۰/۰۰۲۸۷۲	۸/۲۸۸۴۰۳
اندازه شرکت	SIZE	۱۰۵۰	۱۳/۸۶۳۵۵	۱۳/۶۴۹۶۵	۱۸/۷۷۵۱۶	۱۰/۰۹۴۱۹	۱/۴۶۴۰۷۶
اهرم مالی	LEV	۱۰۵۰	۰/۶۳۲۵۴۰	۰/۶۵۴۲۴۵	۱/۹۸۳۶۸۱	۰/۰۱۲۷۳۴	۰/۲۱۵۰۷۳
سهامداران نهادی	INST	۱۰۵۰	۰/۳۶۵۱۰۰	۰/۳۵۴۷۰۰	۰/۹۶۹۰۰۰	-۰/۰۱۰۰۰۰	۰/۲۲۷۹۸۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	M/B	۱۰۵۰	۲/۶۷۸۹۴۵	۰/۵۰۲۰۷۵	۱۱/۴۶۹۳۱	۰/۰۰۸۰۰۳	۰/۷۲۰۰۷۲
جریان نقدی عملیاتی	CFO	۱۰۵۰	۰/۱۳۲۸۴۳	۰/۱۲۰۶۴۵	۰/۶۵۱۶۵۳	-۰/۳۳۶۰۶۰	۰/۱۳۲۲۱۲
اندازه مؤسسه حسابرِس	BIG	۱۰۵۰	۰/۲۸۰۰۰۰	۰	۱	۰	۰/۴۴۹۲۹۹

انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	تعداد	نماد	شاخص
							متغیر
۰/۶۵۰۷۳۷	۰	۲/۳۹۷۸۹۵	۰/۶۹۱۳۴۷	۰/۸۵۱۹۱۷	۱۰۵۰	TEN	تداوم انتخاب حسابرِس
۰/۲۸۳۴۸۴	۰	۱	۰	۰/۰۸۸۰۰۰	۱۰۵۰	LOSS	زیان

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش با توجه به جدول ۱ بیان می‌کند که شاخص‌های توصیفی متغیر کیفیت سود با ۱۰۵۰ مشاهده، حاکی از آن است که کمینه آن ۰/۰۰۰۱۰۴ بوده و مربوط به شرکت لنت ترمز در سال ۱۳۹۳ است و بیشینه آن ۰/۹۱۹۳۷۴ بوده که مربوط به شرکت سیمان ارومیه در سال ۱۳۹۴ می‌باشد که میانگین کیفیت سود شرکت‌های نمونه پژوهش برابر با ۰/۰۲۴۰۷۲ و انحراف معیار آن ۰/۰۶۱۶۶۴ است. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی حاکی از این است که کمینه آن ۰/۰۰۲۸ بوده و مربوط به شرکت سیمان خزر در سال ۱۳۹۵ می‌باشد و بیشینه آن ۶۸/۳۵ بوده و مربوط به شرکت سیمان قائن در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر محافظه‌کاری حسابرِس حاکی از این است که کمینه آن ۰/۰۰ بوده و مربوط به شرکت‌هایی از جمله البرز دارو در سال ۱۳۹۲ می‌باشد و بیشینه آن ۰/۱۰۲۷۹۱ بوده و مربوط به شرکت گل گهر در سال ۱۳۹۲ می‌باشد که به طور میانگین ۰/۰۴۴۳۲۲ در شرکت‌ها محافظه‌کاری حسابرِس صورت گرفته است.

### آزمون فرضیه

در جدول ۲ نتایج آزمون‌های صورت پذیرفته در پژوهش به صورت یکجا آورده شده است. این آزمون‌ها شامل آزمون F لیمر، آزمون معناداری مدل رگرسیونی پژوهش، آزمون بررسی عدم خودهمبستگی مدل رگرسیونی پژوهش و آزمون فرضیه پژوهش و اثر هر یک از متغیرهای کنترلی بر متغیر وابسته پژوهش می‌باشد. با توجه به نتایج آزمون F لیمر از آنجا که سطح معناداری F لیمر ۰/۰۰ است و چون این مقدار از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین از روش داده‌های تابلویی در برآورد مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده می‌شود. نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که احتمال آماره آزمون بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است بنابراین برای برآورد مدل رگرسیونی پژوهش صفر از الگوی اثرات تصادفی استفاده می‌شود. با توجه به اینکه احتمال آماره F محاسبه شده برابر است با ۰/۰۰۰ و این عدد از ۰/۰۵ کمتر است مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. مقدار دوربین- واتسون محاسبه شده برای مدل مذکور ۲/۰۱۲۳۹۹ می‌باشد. از آنجایی که این مقدار بین حد بالا و تفاضل آن از چهار قرار دارد، بین باقیمانده‌ها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

جدول ۲- نتایج آزمون‌های انجام شده

$EQ_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 AC_{i,t} + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 EPU_{i,t} + \alpha_4 LEV_{i,t} + \alpha_5 INST_{i,t} + \alpha_6 M/B_{i,t} + \alpha_7 CFO_{i,t} + \alpha_8 BIG_{i,t} + \alpha_9 TEN_{i,t} + \alpha_{10} LOSS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
نتیجه برازش مدل					
احتمال آماره t (Prob)	آماره t	انحراف معیار	ضریب تأثیر	نماد متغیر	
۰/۰۰۰۳	۳/۶۸۵۴۳۸	۰/۰۹۰۴۵۳	۰/۳۳۳۳۶۰	C	ضریب ثابت
۰/۰۱۸۹	۲/۲۲۸۵۵	۰/۰۱۴۵۷۰	۰/۰۳۲۴۷	AC	محافظه‌کاری حسابرِس
۰/۰۰۰۱	-۴/۹۲۴۸۰۸	۰/۰۲۳۶۳۷	-۰/۱۱۶۴۰۸	EPU	عدم قطعیت سیاست اقتصادی
۰/۰۰۰۱	-۴/۳۷۵۳۲۶	۰/۰۰۹۲۰۶	-۰/۰۴۰۲۷۸	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۰۸۸	-۲/۸۳۳۵۳۱	۰/۰۰۷۹۵۱	-۰/۰۲۲۵۳۰	LEV	اهرم مالی
۰/۰۰۵۹	۲/۷۵۹۷۵۹	۰/۰۱۰۷۹۰	۰/۰۲۹۷۸۰	INST	سهامداران نهادی
۰/۰۰۵۸۸	۱/۸۹۲۶۲۹	۰/۰۳۶۷۴۰	۰/۰۶۹۵۴۲	M/B	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۰۰۰۰	۱۷/۲۴۳۹۷	۰/۰۱۵۹۳۶	۰/۲۷۴۸۰	CFO	جریان نقدی عملیاتی
۰/۰۰۰۷	۳/۳۹۳۶۰۵	۰/۰۰۷۷۲۶	۰/۰۲۶۲۲۰	BIG	اندازه موسسه حسابرِس
۰/۰۰۰۰	-۴/۴۶۹۳۹۷	۰/۰۰۶۶۶۱	-۰/۰۳۰۴۴۰	TEN	تداوم انتخاب حسابرِس
۰/۰۰۱۵	-۳/۱۹۱۵۲۰	۰/۰۲۱۸۴۰	-۰/۰۶۹۷۱۱	LOSS	زیان
احتمال آماره F (Prob)	آماره F	آماره دوربین-واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده R <sup>2</sup>	ضریب تعیین R <sup>2</sup>	
۰/۰۰۰۰۰۰	۶۲/۵۶۵۱۴	۲/۰۱۲۳۹۹	۰/۵۰۶۸۵۴	۰/۵۱۵۰۸۷	
آزمون هاسمن سطح احتمال ۰/۴۵۸۵ استفاده از روش اثرات تصادفی			آزمون F لیمر سطح احتمال ۰/۰۰۰۰ استفاده از داده‌های تابلویی		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### نتیجه آزمون فرضیه

با توجه به نتایج آزمون در جدول ۲ مشاهده می‌گردد که ضریب محافظه‌کاری حسابرِس و تأثیر آن بر کیفیت سود مثبت است و برابر است با (β<sub>1</sub> = ۰/۰۳) و مقدار آماره t برابر با ۲/۲۸ بوده که حاکی از معناداری آن است و سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۱۸ است و چون این مقدار از ۰/۰۵ کوچکتر است بنابراین فرضیه H<sub>0</sub> آزمون

رد شده و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، محافظه‌کاری حسابرِس منجر به افزایش کیفیت سود می‌شود.

با توجه به نتایج آزمون در جدول ۲ مشاهده می‌گردد که ضریب عدم قطعیت سیاست اقتصادی و تأثیر آن بر کیفیت سود منفی است و برابر است با  $(\beta_1 = -0/11)$  و مقدار آماره  $t$  برابر با  $-4/92$  بوده که حاکی از معناداری آن است و سطح معناداری به دست آمده برابر با  $0/000$  است و چون این مقدار از  $0/05$  کوچکتر است بنابراین فرضیه  $H_0$  آزمون رد شده و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، عدم قطعیت سیاست اقتصادی منجر به کاهش کیفیت سود می‌شود.

بررسی تأثیر متغیرهای کنترلی بر کیفیت سود با توجه به نتایج مشاهده می‌شود که:

ضریب مربوط اندازه شرکت  $(\beta_2 = -0/040)$  و سطح معناداری به با  $0/000$  می‌باشد بنابراین اندازه شرکت بر کیفیت سود شرکت تأثیر معکوس دارد.

ضریب مربوط به اهرم مالی  $(\beta_3 = -0/022)$  و سطح معناداری  $0/008$  می‌باشد بنابراین اهرم مالی بر کیفیت سود تأثیر معکوس دارد.

سهامداران نهادی فاقد تأثیر بر کیفیت سود می‌باشد.

ضریب مربوط به نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری  $(\beta_5 = 0/069)$  و سطح معناداری  $0/058$  می‌باشد بنابراین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بر کیفیت سود تأثیر مستقیم دارد.

جریان نقدی عملیاتی فاقد تأثیر بر کیفیت سود می‌باشد

ضریب مربوط به اندازه موسسه حسابرِس  $(\beta_7 = 0/026)$  و سطح معناداری  $0/000$  می‌باشد بنابراین اندازه موسسه حسابرِس بر کیفیت سود شرکت تأثیر مستقیم دارد.

ضریب مربوط به تداوم انتخاب حسابرِس  $(\beta_8 = -0/030)$  و سطح معناداری  $0/000$  می‌باشد بنابراین تداوم انتخاب حسابرِس بر کیفیت سود تأثیر معکوس دارد.

ضریب مربوط به زیان  $(\beta_9 = -0/069)$  و سطح معناداری  $0/001$  می‌باشد بنابراین وقوع زیان بر کیفیت سود تأثیر معکوس دارد.

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال یافتن تأثیر محافظه‌کاری مبتنی بر حسابرِس با وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود در میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. با توجه به تحلیل رگرسیونی و نتایج به دست آمده، محافظه‌کاری حسابرِس منجر به افزایش کیفیت سود و عدم قطعیت سیاست اقتصادی منجر به کاهش کیفیت سود می‌شود. با توجه به ضریب همبستگی بین این دو متغیر در صورتی که محافظه‌کاری حسابرِس یک واحد افزایش یابد، کیفیت سود ۵ واحد افزایش می‌یابد و اگر عدم قطعیت سیاست اقتصادی یک

واحد افزایش یابد، کیفیت سود ۱۱ واحد کاهش می‌یابد. مبانی نظری پژوهش نیز این نتیجه‌گیری را تأیید می‌نماید. چونگ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان دادند که محافظه‌کاری حسابرسان منجر به کیفیت بالای سودهای گزارش شده می‌شود. همچنین با نتایج تحقیقات لی و ژانگ<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، نارتیا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) ماوتور و همکاران (۲۰۱۹)، دانیس (۲۰۱۹)، سولتان و همکاران (۲۰۱۹)، طارق و راشا (۲۰۱۱)، استفان و همکاران (۲۰۱۱) و همیلتون و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد.

نتایج تحقیقات دیگر نیز با بررسی شرکت‌هایی که توسط مؤسسات برتر مورد حسابرسان قرار می‌گیرند همخوانی داشت که در آنها اصرار بر اتخاذ سیاست محافظه‌کارانه توسط حسابرسان که می‌توان روی سازمان‌هایی که با بحران مالی و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی در شرکت خود مواجه هستند را مورد بررسی قرار داد. مطالعه ما شواهدی را برای پیشینه تحقیقاتی ارائه کرده است که با حسابرسانی که جزء رتبه‌های برتر به لحاظ کیفیت حسابرسان هستند، مطابق است. آنها تحقیقاتی انجام داده‌اند که تأکید حسابداری محافظه‌کارانه‌تر را به مراجعین و به تبع آن کاهش احتمال اغراق در سودهای حسابداری را بررسی می‌کردند. این محافظه‌کاری حسابرسان مبنای انتفاع شرکت‌هایی است که توسط مؤسسات بزرگ حسابرسان مورد رسیدگی قرار گرفته و می‌خواهند هزینه شکایات حقوقی را که ناشی از اغراق در کیفیت سود گزارش شده شرکت‌ها می‌باشد به حداقل برسانند. اغراق احتمالی در سود را می‌توان از طریق اخبار بد، پیش‌بینی بازده منفی سهام و سلامت مالی شرکت‌های صاحبکار متوجه شد. نتایج ما البته باید با احتیاط تفسیر شوند زیرا توضیح دیگری از وجود رابطه بین حسابداری محافظه‌کارانه و مؤسسات برتر حسابرسان وجود دارد. توضیح جایگزین برای نتایج ما این است که شرکت‌ها حسابداری محافظه‌کارانه را انتخاب می‌کنند و سپس حسابرسان بزرگ و برتر را برای به‌کارگیری این محافظه‌کاری استخدام می‌کنند. متأسفانه پژوهش حاضر پیشینه‌ای در داخل کشور نداشت که ما بتوانیم از طریق آن بین این دو توضیح تفکیک ایجاد کنیم؛ بنابراین مشخص است که تحقیقات بیشتری از این باب مورد نیاز است.

از لحاظ مباحث مالی می‌توان نتیجه‌گیری را اینگونه تفسیر نمود که محافظه‌کاری می‌تواند به صورت بالقوه انگیزه‌های منفعت‌جویانه مدیریت را کاهش دهد؛ زیرا که ثابت شد با افزایش محافظه‌کاری حسابرسان کیفیت سود بالاتر رفته و به عبارت دیگر، اعمال نفوذ در سود توسط مدیریت کاهش یافته است. در شرکت‌هایی که سیستم حسابداری و حسابرسان آنها محافظه‌کارانه عمل می‌نمایند؛ مدیر جهت اعمال رویه‌ها و روش‌های حسابداری متهورانه که باعث دستکاری سود می‌شود؛ فرصت کمتری دارد؛ بنابراین در پژوهش حاضر انتظار بر این بود، شرکت‌هایی که حسابرسان آنها محافظه‌کارتر هستند؛ سود با کیفیت بالاتری را گزارش می‌نمایند که نتایج پژوهش حاضر نیز مؤید این مطلب می‌باشد.

<sup>۱</sup> . Zhenghui Li, Junhao Zhong

<sup>۲</sup> . Gilbert V. Nartea

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش کیفیت سود و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، سازمان بورس اوراق بهادار و نیز سازمان حسابرسان به عنوان مرجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری بر روی آن بخش از اطلاعات مالی که قابلیت مدیریت و دستکاری بیشتری دارند و استانداردهایی که بیشتر در معرض این موضوع قرار دارند، توجه بیشتر نموده تا مانع از ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی در بازار بورس شده و به تبع آن به هدف نهایی بازار سرمایه که تسهیم عادلانه به واسطه ارزیابی مناسب است، کمک کنند. چنانچه ابزارهای حاکمیت شرکتی به نحوی مطلوب و مطابق با مبانی اصولی و علمی مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شود. کاهش عدم تقارن اطلاعاتی موجب کارایی بهتر بازار سرمایه شده و نتیجتاً توسعه بازار مالی که لازمه توسعه اقتصادی است را فراهم می‌آورد.

با توجه به فرضیه اصلی، می‌توان به مدیران شرکت‌ها و بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد نمود که جهت بهبود کیفیت سود، به شاخص‌های تأثیرگذار نظیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی و ویژگی‌های شرکتی توجه نمایند و از طرفی بتوانند در این راستا استراتژی‌هایی طراحی نمایند تا با الگوسازی آن به صورت چارت سازمانی در اختیار مدیران، مدیرعاملان، هیئت‌مدیره و کارشناسان قرار گیرد و از آن استفاده نمایند و شرکت را از شرایط بحرانی و یا ورشکستگی حفظ نمایند. عدم قطعیت سیاست اقتصادی و ویژگی‌های شرکتی از جمله متغیرهایی است که می‌تواند در راستای تأمین مالی به شرکت کمک‌و‌الایی نماید از این رو جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه توصیه می‌شود که باید شرکت‌ها به آن توجه نمایند.

### فهرست منابع

- اسدی، غلامحسین و مرتضی بیات، (۱۳۹۳). "تأثیر محافظه‌کاری بر پیش‌بینی مدیریت از سود"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسان دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۹-۳۸
- اسلامی بیدگلی، غلامرضا، هاشم نیکومرام، بهمن بنی‌مهد و نیلوفر میرسپاسی، (۱۳۹۰). "محافظه‌کاری حسابداری و بحران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره نهم، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- بدیعی، حسین، محمد محمودی و روح اله رضازاده، (۱۳۹۳). "تأثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر کیفیت سود با استفاده از مدل باسو، بال و شیواکومار"، فصلنامه علمی پژوهشی، دانش حسابداری و حسابرسان مدیریت، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲۳-۳۱.
- پور ولی‌علی، مهیار، سعید جبارزاده و صادق ظاهر، (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران"، فصلنامه اقتصاد در مالیات، دوره ۲ شماره ۱، صص ۷۹-۹۷

پورزمانی، زهرا، محسن فانیانی و لیلا صدیقی کمال، (۱۳۹۵)، "مقایسه تأثیر معیارهای کیفیت سود بر بازده مازاد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۱

پورولی علیار، صیاد، سعید جبارزاده کنگرلویی و صادق ظاهر، (۱۳۹۵)، "کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه اقتصاد و مالیات، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۳)، صص ۸۰-۹۷.  
 سالم دزفولی، بابک، اله کرم صالحی، علیرضا جرجزاده و سعید نصیری، (۱۳۹۸)، "بررسی تأثیر عدم اطمینان اقتصادی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸(۳۰)، صص ۹۵-۱۱۶.

ستایش، محمدحسین و کاظم شمس‌الدینی، (۱۳۹۲)، "بررسی سازه‌های مؤثر بر سطوح محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری، ۴(۱۴)، صص ۱۰۹-۱۲۷.  
 سدیدی، مهدی، علی ثقفی و شاهین احمدی، (۱۳۹۰)، "محافظه‌کاری حسابداری و تأثیر کیفیت سود بر بازده دارایی‌ها و بازده سهام"، دانش حسابداری، ۲(۶)، صص ۱۲۹-۱۴۹.

شریف سعدی، محبوبه السادات و خلیل عباسی موصولو، (۱۳۹۷)، "بررسی تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و ریسک اعتباری بر رفتار وام‌دهی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دومین کنفرانس ملی مطالعات نوین مدیریت در ایران

طالب نیا، قدرت اله، لیلا صدیقی کمال، (۱۳۹۶)، "بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوع مالکیت دولتی و خصوصی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی شماره ۳۴، صص ۴۲-۵۷

مهرانی، ساسان، قربان اسدی و حمیدرضا گنجی، (۱۳۹۲)، "رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام"، مطالعات تجربی حسابداری مالی دوره ۱۱ شماره ۴۲، صص ۱۱۵-۱۳۷

AhmedAl-Hadi, GrantleyTaylor, MahmudHossain, (2016), "Disaggregation, Auditor Conservatism and Implied Cost of Equity Capital: An International Evidence from the GCC", Journal of Multinational Financial Management, Vol. 29, PP. 66-98.

Anthony Persakis, George Emmanuel Iatridis. (2015), "Cost of Capital, Audit and Earnings Quality under Financial Crisis: A Global Empirical Investigation", Journal of International Financial Markets, Institutions & Money, PP. 3-24.

Ball, Ray and Shivakumar, Lakshmanan, (2008), "How Much New Information is There in Earnings?", Journal of Accounting Research, Vol. 46, Available at SSRN:https://ssrn.com/abstract=1105228.

Basu, S., (1997), "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings", Journal of Accounting and Economics 24(1), PP. 3-37.

Beatty, A., J. Webber and J. Yu, (2008), "Conservatism and Debt", Journal of Accounting and Economics, 45 (2-3), PP. 157-174.

- Chen, C. Y., C. J. Lin., and Y. C. Lin. (2004), "Audit Partner Tenure, Audit Firm Tenure and Discretionary Accruals; Does Long Auditor Tenure Impair Earning Quality?", Working Paper, Hong Kong University of Science and Technology.
- Chung, R., Firth, M., and Kim, J. (2003), "Auditor Conservatism and Reported Earnings", Accounting and Business Research. 33, PP. 19–22.
- Dechow P.M., R.G.Sloan, A.P.Sweeney, (1995), "Detecting of Earnings Management", Journal of Accounting Review, Vol. 70, No. 2, PP. 193-225.
- Dichev, I., Skinner, D., (2002), "Large Sample Evidence on the Debt Covenant Hypothesis", Journal of Accounting Research 40, PP. 1091-1123.
- Feltham, G. A. and Ohlson, J. A, (1995), "Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities", Contemporary Accounting Research, 11 (2), PP. 689-731.
- Givoly, D. and Hayn, C. (2000), "The Changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become more Conservative?", Journal of Accounting and Economics, 29, PP. 287-320.
- Gujarati, N. D. (1995), "Basic Econometrics", 4<sup>th</sup> Edition, McGraw-Hill International Editions: Economic Series.
- Hamilton, J., C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor. (2005), "Audit Partner Rotation, Earnings Quality and Earnings Conservatism", Working Paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales.
- Jelinek. K. (2007), "The Effect of Leverage Increase on Earning Management", Journal of Business and Economic Studies, 13, PP. 24-46.
- Jones, J. (1991), "Earnings Management during Import Relief Investigation", Journal of Accounting Research, 29, PP. 193-228
- Lee, PJ Taylor, SB Taylor, SL, (2006), "Auditor Conservatism and Audit Quality: Evidence from IPO Earnings Forecasts", International Journal of Auditing, 10 (3), PP. 183 – 199.
- Li, S., W. Beekes and K. Peasnell (2009), "Litigation Risk and auditor Conservatism: A UK-US Comparison", WP - Lancaster University Management School 2009/032.
- Pei-Cheng Liao and Suresh Radha Krishna, (2016), "The Effects of the Auditor's Insurance Role on Reporting Conservatism and Audit Quality", The Accounting Review, Vol. 91, No. 2, PP. 587-602.
- Peter Vassallo, Stuart Taylor. (2015), "A Cash Flow Perspective on Auditor Conservatism", Australian School of Business, University of New South Wales.
- Peter Vassallo, Stuart Taylor. (2015), "A Cash Flow Perspective on Auditor Conservatism", Australian School of Business, PP. 1-39.
- Roychowdhury, S. and R. Watts. (2007), "Asymmetric Timeliness of Earnings, Market to Book and Conservatism in Financial Reporting", Journal of Accounting and Economics. Forthcoming.
- Tariq,H.I&Rasha,M.E. (2011), "Do Conditional And Unconditional Conservatism Impact Earnings Quality And Stock Prices In Egypt?", Research Journal Of Finance And Accounting, Vol. 2, No. 12, PP. 7-19.
- Watts, R.L., (2003), "Conservatism in Accounting Part i: Explanation and Implications", Accounting Horizons, Vol. 17, PP. 207221.



## **The Impact of Auditor Conservatism and the Uncertainty of Economic Policies on Profit Quality**

Behazad Ghorbani<sup>1</sup>  
Farzaneh Pourtaher Aghdam<sup>2</sup>  
Fereydoun Rahnama Roudposhti<sup>3</sup>

Received: 04/ April /2022      Accepted: 08/ June /2022

### **Abstract**

This research examines the effect of auditors conservatism on Earnings Quality despite the uncertainty of economic policies in listed companies in Tehran Stock Exchange. Conservatism of auditors was calculated and evaluated using the model of Chong et al. (2003). (Auditor Conservatism based on Basu's model (1997) and the use of the ranking of the audit institutions in accordance with the classification guidelines of the audit institutions and entities subject to Article 10 of the Trusteeship Audit Institutions Code of the Stock Exchange). Jones' modified model (1995) used to measure the earnings quality. In this regard, 150 companies from listed companies were selected for systematic elimination during 2013-2019. The research regression model was tested and tested using static effects approach using panel data. The results of the research hypothesis test showed that auditor conservatism has a positive effect and economic policy uncertainty has a negative effect on profit quality. In other words, the conservatism of auditors leads to an increase in the quality of profits and the uncertainty of economic policies leads to a decrease in the quality of corporate profits.

**Keywords:** Auditor Conservatism, Uncertainty of Economic Policies, Earnings Quality, Ranking of the Audit Institutions

---

1 Department of Accounting, Khodabande Branch, Islamic Azad University, Khodabande, Iran.

E-mail: dr.b\_ghorbani@yahoo.com

2 Department of Accounting, Khodabande Branch, Islamic Azad University, Khodabande, Iran. Corresponding Author. farzaneh.pourtaher@gmail.com

3 Department of Accounting, [roodposhti.rahnama@gmail.com](mailto:roodposhti.rahnama@gmail.com)

